

بین راه مسئول مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ارومیه آماری از پایگاه‌ها و خانه‌های بهداشت آذربایجان غربی می‌دهد که گذشته از جالب بودنش مرا به فکر می‌برد. ۶ پایگاه فعال بهداشتی، ۱۰۰۰ خانه بهداشت، ۱۱۵ مرکز جامع خدمات سلامت شهری، ۱۰۹ مرکز جامع خدمات سلامت روستایی و ۱۰۰ پایگاه سلامت. این در حالی است که میرجاوه که از نظر وسعت دست‌کمی از ارومیه ندارد با ۴۲۰ هزار نفر جمعیت ۳۹ پایگاه سلامت دارد. البته خودم را این‌طور توجیه می‌کنم که جمعیت منطقه میرجاوه یک‌هشتم آذربایجان غربی است و تعداد روستاهایش هم خیلی کمتر!

مسیر ارومیه تا روستا در این خنکای کوهستانی برپیمان دلچسپ است. وقتی خیابان شهید گیلانی‌زاده را رد می‌کنیم از دور ساختمان دوطبقه سفید رنگ کاملاً مشخص است. این مرکز مجهزتر از آن چیزی است که به نظر باید یک

داروها تاریخ انقضای شان را نوشته تا به اشتباه داری تاریخ گذشته به بیماری داده نشود. این داروخانه بیشتر داروها را دارد. از داروهای بیماران مبتلا به سل و مالاریا گرفته تا بیماران قلبی و عروقی، اعصاب و روان و مکمل‌ها. شاید به همین خاطر است که اهالی این روستا جز تعریف حرف دیگری به زبان نمی‌آورند. محل زندگی پزشکان مرکز خدمات سلامت لادیز هم دورتر از آن چیزی است که فکرش را کنید. با مرکز استان ۱۰۰ کیلومتری فاصله دارد. دکترها بدون هیچ منتی بیماران ساده زیست روستایی را معاینه می‌کنند بدون گرفتن هیچ حق ویزیتی. پزشکان پس از طرح تحول سلامت در قالب برنامه ماندگار شدن پزشکان در مناطق محروم به خواست خود آمده‌اند تا با عشق به مردم خدمت کنند. خبری هم از زیر میزی نیست. حالا دل اهالی روستا خوش است که هنگام بیماری به مرکز بهداشت روستای‌شان می‌روند، معاینه می‌شوند، قرصی

می‌گیرند و آمپول و واکسنی می‌زنند. بدون اینکه پولی بدهند. دکتر خسروی پزشک مرکز بهداشت لادیز که از زاهدان آمده، می‌گوید: «کشاورزی نیست و مردم به زحمت و سختی نان شب‌شان را تهیه می‌کنند چه برسد که سری به شهر بزنند و وضعیت سلامت خود را محک بزنند، خیلی از آنها حتی پول ندارند که خود را به شهر برسانند. اگر طرح تحول سلامت نبود خیلی از این زنان باردار هنگام زایمان در خانه جان‌شان را از دست می‌دادند. ماهر دوهفته یکبار فرصت می‌کنیم به زاهدان برویم ۲۴ ساعت بیشتر پیش خانواده و همسر نیستیم اما مشکل اصلی ما اتباع بیگانه هستند، باید فکری برای‌شان بکنند چون خدمات اینجا برای اهالی لادیز تعریف شده و اتباع بیگانه بار مضاعفی را بر دوش سیستم بهداشت و درمان تحمیل می‌کنند.»

از لادیز تا روستای جون‌آباد مسیر کمی دورتر و ناهموارتر می‌شود. بالا و پایین زیاد دارد، چاله چوله، حفره‌های کوچک و بزرگ، گرمای آفتاب مانند آتش روی صورت رهگذران زبانه می‌کشد. تلفن همراه هم آنتن نمی‌دهد. هرازگاهی سلامت در روستاها و شهرهای‌مان پس از اجرایی شدن طرح تحول ساخته و تجهیز شده‌اند و با ایجاد پرونده سلامت برای مردم از بار بیماری‌ها و دغدغه‌های مردم کاسته اما با این‌حال هنوز استان سیستم و بلوچستان با کمبودهای مثل نبود پزشک اطفال و برخی جراح‌های متخصص روبه‌رو است. امیدوارم روزی برسد که از نظر تأمین بیمارستان‌های جدید و تجهیزات و پزشک هیچ کمبودی نداشته باشیم.

اما روستای جون‌آباد، آخرین ایستگاه بدریدمان در مناطق روستای است. مردمش این جمله را مدام تکرار می‌کنند: «جون آباد به خودش نمی‌دید چنین مرکزی داشته باشد.» حق با آنهاست. این روستا شاید یکی از آبادترین روستاهای سیستم و بلوچستان باشد. دست‌کم دارو درختی در آن پیدا می‌شود. محصول‌شان بیشتر زردآلو است. دامداری و کشاورزی هم دارند. **عزت‌الله رنگی** که به اسم‌آمان آمده از شرایط منطقه‌شان می‌گوید: «۱۷ سال خشکسالی در این استان پدر همه را در آورد. هم‌مرزی با افغانستان و پاکستان هم امنیت را در مرزهای شرقی پایین آورده، شاید همین موضوع است که پزشکان کمی داوطلب می‌شوند تا برای خدمت به مردم به این مرزبایند. البته باید بگویم اینجا امن‌ترین نقطه فراسات.»

وی درباره مرکز بهداشت‌شان جون آباد هم می‌گوید: «این مرکز بهداشت جان خیلی‌ها را نجات داده‌است. تصور اینکه چنین مرکز بهداشتی با این امکانات داشته باشیم غیرقابل باور بود. الحمدلله دولت با این کار به مردم‌مان امید داد که به فکرمان است.»

■ **سفر به دیار کوه‌ورف**  
مأموریت‌مان در سرزمین آفتاب در جنوب‌شرق به پایان رسید و حالا باید به شمال غربی‌ترین منطقه کشور برویم. منطقه‌ای هم‌مرز با ترکیه و عراق و ارمنستان. زندگی پشت درخت‌های سیب‌وانگور با زندگی آنهایی که آن طرف مرزهای شرقی، زمین تا آسمان فرق می‌کند. از ارومیه مستقیم راه‌مان را می‌گیریم و می‌رویم به‌سوی روستای دیزج مرکور و هورسین. انگار نه انگار چند ساعت پیش در جاده‌های کویری سیستم و بلوچستان با آن گرمای طاقت‌فرسایش بودیم. اینجا جاده‌ها کوهستانی و هوا خنک خنک است. به‌نظرم حتی زندگی به هم متفاوت‌تر است. اینجا زندگی به خود رنگ گرفته و پویایی را می‌توان از طبیعت مردم محلی برآحتی دید. در



عکس: یوا، افشال ماهرخ

[ پزشک خانواده در مرکز بهداشت مرز میرجاوه اتباع پاکستانی را از نظر بیماری‌ها کنترل می‌کند ]

گزارش خبرنگار «ایران» از سفر به روستاهای مرزی زاهدان و ارومیه و وضعیت بهداشت و درمان این مناطق

# نوار «سلامت» روی خطوط مرزی

فریا خیان احمدی

خانه‌هایشان یکی در میان، حمام و دستشویی هم ندارند ولی روستایشان چندی است صاحب خانه بهداشت شده است. مانند گذشته نگران نیستند که اگر روزی زن و بچه‌شان ناخوش احوال شود کاسه چه کنم چه کنم دستشان بگیرند. روستا با نزدیک‌ترین شهر که درمانگاه و بیمارستانی که لااقل دکتری داشته باشد ۲۰۰ کیلومتری فاصله دارد. حالا وضعیت فرق کرده، خانه بهداشت بزرگی برایشان ساخته‌اند و ۲ پزشک و چند ماما و بهیار آنجا کار می‌کنند. تنها دغدغه‌شان آمبولانس است، اگر این هم جور شود نور علی نور است. روستای مرزی علی ابن ابی طالب در نزدیکی شهر میرجاوه سیستان و بلوچستان یکی از صدها روستایی است که با محرومیت‌های مختلفی دست و پنجه نرم کرده‌است، یکی از محرومیت‌ها ندانستن خانه بهداشت و پزشک خانواده بود. چه بسیار مادرانی که سال‌های گذشته در آستانه تولد فرزندشان چشم از جهان بستند. باردار شدن زنان کم سن و سال در این منطقه کابوسی بود. واهمه داشتند که آیا آنها هم به سرنوشت فلاّتی دچار می‌شوند و نمی‌توانند فرزندشان را ببینند! حالا بیشتر روستاهای استان محرومی مانند سیستان و بلوچستان صاحب خانه‌های بهداشت و مراکز جامع درمانی شده‌اند. یکباری در بین‌شان سوچ می‌زند و بیشترشان بسختی نان شب را تهیه می‌کنند ولی خیال‌شان راحت است که اگر خدای تانگه‌زن در بچه‌شان مریض شود دکتری در روستا هست که آنها را مداوا کند. این قصه، منحصر به میرجاوه و سیستان و بلوچستان نیست. این گزارش شرح سفری است که یک سوری آن جنوب شرقی ایران و منطقه میرجاوه است و سوری دیگرش شمال غربی ایران و منطقه عمومی ارومیه. در این سفر دراز، گزارشگر کوشیده است نوعی «ایرانگردی سلامت» داشته باشد و تحولات جدید در حوزه درمان و سلامت را رصد کند.

وارد کشور می‌شوند. نخستین جایی که می‌رویم خانه بهداشت پایانه میرجاوه است که روزانه صدها پاکستانی از اینجا وارد کشورمان می‌شوند. اینجا در نقطه صفر مرزی جمعیت پاکستانی‌ها از همه زیادت‌تر است. نگاه‌های خسته از جنگ، چهره‌های تکیده و تیره، روسری‌های بلند و لباس‌های نخ‌ی گشاد، تنها شناسنامه‌شان است. بیشترشان برای زیارت می‌آیند. البته به گفته مسئولان پایانه در مناسبت‌های خاص بیش از ۲۰ اتوبوس پاکستانی مسافرهايشان را به میرجاوه می‌رسانند.

وظیفه پزشک‌انی که در این مرکز فعالیت دارند گرفتن تست غربالگری از اتباع پاکستانی است. به کودکان زیر ۱۵ سال قطره فلج اطفال می‌دهند و در صورت نیاز واکسیناسیون می‌شوند. اما در سرزمین آفتاب زندگی زور یا مالاریا هستند برای نیم‌ساعتی در قرنطینه می‌مانند تا تست غربالگری و تشخیص بیماری‌شان مشخص شود. اگر بیماری مسری باشد مجوز ورود به کشورمان را پیدا نمی‌کنند.

در پایانه میرجاوه بیشتر از همه پاکستانی‌ها را می‌بینیم. هر کدام چمدان و ساک و کوله‌ای به دوش دارند و وضعیت بهداشت‌شان هم تعریفی ندارد. از همه اینها که بگذریم چیزی که برایمان عجیب است فعالیت خاتم دکتری در این مرکز مرزی است. **دکتر نیت‌الهدی صفدری** حواسش به ما نیست. مشغول معاینه است، بعد از دقایقی متوجه حضورمان می‌شود. از او درباره کارش در چنین منطقه‌ای که شاید برای پزشک زن سخت باشد می‌پرسیم: «من چند سال است که اینجا کار می‌کنم. طرح را تمدید کردم. شاید حجم کار در اینجا به‌خاطر ورود زائران پاکستانی بالا باشد ولی خسته نمی‌شوم. به اهالی میرجاوه و روستاهای اطرافش می‌گردند جای خطرناکی طبابت می‌کنم ولی باید بگویم اهالی اینجا آدم‌های ساده‌دل و ساده‌زبانی هستند.» به شوخی به خانم دکتر می‌گویم که یعنی درخواست انتقال به

بیمارستان‌های زاهدان را ندادند؟ یا خند جواب می‌دهد: «نه، برای چی باید بروم زاهدان. اگر بتوانم تخصص بگیرم همین‌جامی‌مانم.»

در بین گفت‌وگویمان رئیس دانشگاه زاهدان گوشی تلفن همراه را به دست خانم دکتر می‌دهد تا صحبت کند. آن‌سوی خط وزیر بهداشت است. صفدری هل می‌کند. کمی تپق می‌زند. دکتر هاشمی روز پزشک را به او و همکارانش تبریک می‌گوید و از تصمیمی که گرفته استقبال می‌کند و می‌گوید که اگر می‌خواهد چند سال دیگری در این مرکز بماند دستوری دهد تا مقدمات تحصیل وی در قالب بومی‌گزینی برای گرفتن تخصص صورت بگیرد. مکالمه‌ای چند دقیقه‌ای که امید را در وجود خانم دکتر چند برابر می‌کند.

وقت تنگ است و باید به مرکز بهداشت علی ابن ابی طالب (ع) در شهر میرجاوه برویم. از دور ساختمانی نوساز در میان خانه‌های خشت و گلی شهر کاملاً مشخص است. البته تا پادم ترفته‌است باید بگویم دکتر «میری» ساختمان در حال ساختی در مجراوه نشان‌مان داد که قرار است تا سال آینده به بهره‌برداری برسد. بیمارستانی با ظرفیت ۳۲ تخت و ۱۲ اتاق عمل که می‌تواند جابجایی بیماران صفر مرزی جمعیت پاکستانی‌ها را در این نقطه از شهر که حتی جاده‌اش آسفالت نیست و برای به‌کار انداختن تأسیساتش باید از گازیول استفاده شود و از طرفی سیستم فاضلاب هم ندارد چه دردی دوا می‌کند؟

■ **مرکزی با امکانات زایشگاهی**

مرکز بهداشت علی ابن ابی طالب آنقدر شلوغ است که آدم فکرش را نمی‌کند که در چنین جای‌ای این همه مراجعه کننده باشد! **دکتر زهره محمدی** به پیشوا زمان می‌آید. به گفته خودش برای دومین بار است برای طبابت به میرجاوه آمده. از او هم درباره امکانات مرکز بهداشت و کم و کاستی‌ها می‌پرسم: «شرایط کاری اینجا خیلی سخت است. در ماه ۸ شیفت داریم. زمانی که شیفت هستم مجبورم فرزندم را با خودم به اینجا بیاورم. ۷۵ کیلومتری آیم و همین اندازه باید برگردم به خانه‌ام. این کار هر روزم است. جمعیت بیماران هم بیش از اندازه است بویژه مراجعه زنان باردار. ۶ ماهه دوم سال گذشته ۶۳۰ زایمان در این مرکز داشتیم. نرخ باروری در سیستان و بلوچستان بخصوص در این منطقه خیلی بالاست و سال‌های گذشته خیلی از مادران هنگام زایمان جان خود را از دست می‌دادند یا به‌خاطر دوری مسافت در بین راه از دنیا می‌رفتند ولی در طرح تحول سلامت این مرکز به تسهیلات اتاق زایمان مجهز و ۲ آمبولانس هم در اختیار این مرکز قرار داده‌اند. البته همچنان نیاز به تجهیزات داریم و اگر آمبولانس دیگری بدهند کمی فکرمان راحت می‌شود چرا اینکه اگر چند بیمار داشته باشیم به بخوابیم به شهر دیگری اعزام کنیم مجبور به انتخاب می‌شویم.»

■ **دکتر محمد کوهکن** یکی دیگر از ۴ پزشک این مرکز که از یزد به میرجاوه آمده از دستاوردی حرف می‌زند که اجرای آن در چنین منطقه‌ای غیرممکن به نظر می‌آید: «بیانگین بیماری‌ها که به این مرکز

نیم‌گاه

گره‌ای که با اجرای طرح تحول گشوده شد

دکتر محمدرضا میری

رئیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان



نقطه عطف تحول نظام سلامت در سیستان و بلوچستان زمانی کلید خورد که وزیر بهداشت در دی ماه ۹۴ به این استان سفر کرد. پس از این سفر تحولات زیادی را در بحث بهداشت و درمان مردم بویژه روستاییان و مرزنشینان شاهدیم. پیش از اجرایی شدن این طرح ۵۴ درصد مراکز بهداشتی و درمانی زاهدان پزشک نداشت و طرح تحول سبب شد که هم‌اکنون همه مراکز بهداشتی و درمانی‌مان دارای پزشک شوند. سال گذشته تعداد پزشکان عمومی در مراکز تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی زاهدان ۹۴ نفر بود که این تعداد به ۱۵۴ نفر رسیده است و با نگاه بویژه وزیر بهداشت ۶۱ پزشک تخصص و فوق تخصص نیز جذب بیمارستان‌ها و مراکز درمانی‌مان شده‌اند. اما با توجه به وسعت استان سیستان و بلوچستان و پراکندگی شهرها برای ایجاد امکانات برای خانواده‌هایی که از شهرهای دور و نزدیک می‌آیند چلینگ بیمارستان‌ها را نوسازی کرده‌ایم. در همین راستا فضای اورژانس بیمارستان‌ها را توسعه دادیم. پیش از این بیمارها به خاطر کمبود تخت اورژانس مجبور بودند در راهروی بیمارستان بستری شوند اما اکنون ۵ بخش اورژانس در شهرهای زاهدان، خاش، سراوان و چابهار در حال ساخت است که ان‌شاءالله در سه ماهه سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد. در بحث بیماری در استان‌مان باید بگویم بیماری‌های سل، سوءتغذیه، تالاسمی و از همه مهم‌تر مرگ مادران باردار شایع است. به عنوان مثال برای کاهش میزان بروز تالاسمی ما‌زور بیماران مبتلا به این بیماری را پیش از ازدواج غربالگری می‌کنیم تا تعداد موارد جدید ابتلا به تالاسمی را پیشگیری کنیم. از دیگر اقداماتی که

« وظیفه پزشکانی که در مرکز بهداشت مرز میرجاوه فعالیت دارند گرفتن تست غربالگری از اتباع پاکستانی است. به کودکان زیر ۱۵ سال قطره فلج اطفال می‌دهند و در صورت نیاز واکسیناسیون می‌شوند

« در مرکز بهداشت دیزج مرکور ۴ پزشک و ۳ ماما به همراه نیروی پذیرش، بهیار، آزمایشگاه، مربی بهداشت خانواده، بهداشت محیط، مربی بیماری‌ها و همچنین داروخانه خصوصی فعالیت دارند

« هستیم. اینجا نه آبی هست نه مزرعه و نه کارخانه‌ای که کار کنیم. مکمل کجا بود! مگر اینکه مرکز بهداشت چیزی به ما بدهد. نصف مردم روستایمان حتی حمام و تواله هم ندارند! حرف‌های این زن شوک‌مان می‌کند، پرونده سلامت درست می‌کنیم و پس از بهداشتی باشد. دکتر میری، رئیس دانشگاه زاهدان حرف‌های زن محلی نوار قلب، تست پاپ اسمیر و بیماری‌های زمینه‌ای احتمال ابتلا به بیماری‌های دیگر را ثبت می‌کنیم و اگر روزی مریض روستایی برای درمان به مرکز استان یا شهر دیگری رفت پزشکان متخصص بتوانند با مطالعه پرونده‌اش راحت‌تر و سریع‌تر درمان وی را آغاز کنند.»

■ **رضایت مرزنشینان از مراکز بهداشتی**  
مقصود بدین‌مان روستای «لادیز» در فاصله ۳۰ کیلومتری میرجاوه است. روستایی که به نسبت مناطقی که دیده‌ایم وضعیتش بهتر است. لااقل مردمش زمین و آبی دارند برای کشاورزی و کسب درآمد. ساختمان مرکز خدمات جامع سلامت «لادیز» تمیزتر و شیک‌تر از مرز میرجاوه است. مسئولان این مرکز مهم‌ترین مشکل‌شان را بیمه نبودن برخی اهالی این روستا و اتباع غیرایرانی می‌دانند و از وزیر بهداشت می‌خواهند تا بودجه بیشتری برای به پایان رسیدن بیمارستان میرجاوه اختصاص دهد.

البته نباید فراموش کنیم که داروخانه مرکز بهداشت لادیز یکی از متمایزترین داروخانه‌های روستایی است؛ چرا اینکه مسئول داروخانه روز قفسه هریک از